



جنون سیاسی سعودی‌ها از کجا نشات می‌گیرد؟ / سیدحسین موسویان پاسخ می‌دهد

تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۹۴ - ۰۸:۰۰

کد خبر: ۲۲۸۲۸۸

حادثه منا و کشته شدن ۴۶۵ حاجی ایرانی به تنش‌ها میان ایران و عربستان، دامن‌زده است. اگر تا پیش از این شاهد تنش‌های منطقه‌ای در رقابت بین دو دولت بودیم، امروز این موضوع به روابط دوجانبه هم سرایت پیدا کرده و تحلیلگران از نوعی جنگ سرد میان تهران و ریاض یاد می‌کنند. با توجه به روند تحولات منطقه و همچنین روی کارآمدن بازهای سعودی، نشانه‌ها حاکی از فعال شدن خطوط گسل در این معادله است. سیدحسین موسویان، دیپلمات سابق مذاکره‌کننده ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» معتقد است که سعودی‌ها از رفع تحریم‌های ایران و باز شدن فضای بین‌المللی برای ایران بیش از حد تصور عصبانی هستند و ادامه روند کاهش تنش و خصومت بین ایران و آمریکا نیز ریاض را «دچار جنون سیاسی مطلق» خواهد کرد. سفیر سابق ایران در آلمان وقوع حوادث یک دهه اخیر در خاورمیانه که به برتری ایران در منطقه انجامیده است را عامل ورود ریاض به پروسه خصومت و تقابل آشکار می‌داند. او همچنین درخصوص ضرورت گفت‌وگو بین دو کشور معتقد است که بهبود روابط هم ممکن است و هم ضروری، چون تقابل عربستان و ایران نه به نفع منطقه است و نه به نفع جهان اسلام و نه به نفع دو کشور. معاون اسبق امنیت بین‌الملل شورای عالی امنیت ملی از یک ابتکار دوجانبه در روابط با ریاض نیز یاد می‌کند. مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

تا چه حد می‌توان حادثه کشته شدن حجاج در حادثه منا را به رقابت شاهزادگان سعودی ربط داد؟ آیا ارتباط معناداری به‌ویژه در رقابت محمد بن سلمان و محمد بن نایف در این خصوص وجود دارد؟

رقابت شاهزادگان سعودی واقعی و جدی و یکی از چالش‌های مهم داخلی عربستان است. اما اینکه این جنایت بزرگ را شاهزادگان منزوی ساماندهی کرده باشند، نیاز به اطلاعات مستند دارد. در عین حال تردیدی در سوءمدیریت و بی‌کفایتی مسوولان ذی‌ربط سعودی نیست.

با توجه به تعداد بالای مفقودان و از جمله ناپدید شدن دیپلمات ایرانی و برخی مقامات دیگر ایران و طرح موضوعاتی چون هماهنگی سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و عربستان، تا چه حد می‌توان از عمدی و ارادی بودن وقوع این حادثه یاد کرد؟

قطعا تعداد مفقودان و از جمله ناپدید شدن دیپلمات ایرانی و برخی مقامات دیگر ایرانی، بسیار مشکوک است. مسوولان امنیتی-سیاسی ایران باید با اولویت ویژه به این موضوع رسیدگی کنند و در صورت اثبات عمدی بودن آن، بلافاصله باید روابط سیاسی با ریاض به‌حالت تعلیق در آید، اعزام حجاج تعلیق شود و شکایت ایران به مراجع بین‌المللی تسلیم شود.

با توجه به موفقیت گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و غرب و همچنین همکاری‌های غیرمستقیم ایران و آمریکا در مبارزه با داعش در عراق و اخیرا هماهنگی‌ها درخصوص بحران سوریه و دنبال کردن یک راه حل سیاسی، مقامات عربستان از جمله بندربن‌سلطان از آغاز یک روند رو به جلو در بازسازی روابط ایران و آمریکا خبر داده بودند. تا چه حد می‌توان این رفتارهای عربستان را واکنشی به رفتار ایران خطاب کرد؟

تردیدی نیست که عربستان به هر اقدامی برای جلوگیری از توافق هسته‌ای دست زد. سعودی‌ها از رفع

تحریم‌های ایران، باز شدن فضای بین‌المللی برای ایران بیش از حد تصور عصبانی هستند و بنابراین رفتار سیاسی‌شان کاملاً غیرمتعادل شده است. ادامه روند کاهش تنش و خصومت بین ایران و آمریکا نیز ریاض را دچار جنون سیاسی مطلق خواهد کرد.

از آنجا که یکی از اهداف اصلی عربستان در بحبوحه تحولات بهار عربی، زمینگیر کردن سوریه و شخص بشار اسد بود، تا چه حد روندهای شکل گرفته موجود از جمله بغای اسد و دنبال کردن یک راه حل سیاسی، برخلاف منافع عربستان تلقی می‌شود؟

اصولاً: 1- شکست پروژه «حذف اسد»، 2- پیروزی‌های حوثی‌ها در یمن، 3- حذف صدام در عراق، 4- سقوط طالبان در افغانستان، 5- منافع مشترک و همکاری‌های غیرمستقیم ایران و آمریکا در عراق و افغانستان و 6- قدرت حزب‌الله لبنان باعث شده تا ریاض احساس کند که ایران در منطقه دست بالا را دارد، بنابراین وارد پروسه خصومت ورزی و تقابل آشکار با ایران شده است.

حجم اختلافات ایران و عربستان طی دو سال از روی کارآمدن دولت روحانی رو به افزایش بوده است؛ توطئه نفتی، حادثه منا، یمن، داعش، توافق هسته‌ای، مرگ ملک عبدالله و برخی دیگر از موضوعات باعث شده تا روابط ایران و عربستان متشنج شود. در چنین وضعیتی آیا امکان بازسازی روابط وجود دارد؟

افزایش حجم اختلافات با سعودی در دولت آقای روحانی درست است اما این ناشی از افزایش قدرت، نفوذ، نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران است. این حقیقتی است که موجب عصبانیت سعودی‌ها شده است. در عین حال بهبود روابط، هم ممکن است و هم ضروری. تقابل عربستان و ایران نه به نفع منطقه است و نه به نفع جهان اسلام و نه به نفع دوکشور.

تا چه اندازه ایران توانسته است از ظرفیت برخی کشورها همچون عمان، کویت و تا حدی قطر برای بهبود روابط با عربستان کمک بگیرد؟

عصبانیت ریاض بیش از آن است که کویت و عمان بتوانند مشکل را حل کنند. آمریکا با تمام قدرت و نفوذ خود به سعودی برای بهبود روابط با ایران فشار آورده و موفق نشده است. به نظرم ابتدا باید یک ابتکار دوجانبه‌ای با سعودی‌ها داشت.

به نظر می‌رسد حجم تلاش‌ها و اقدامات ایران برای نزدیک شدن و گفت‌وگو با عربستان به مراتب فراتر از اقدامات سعودی‌ها بوده است، چرا در این مقطع سعودی‌ها از خود نوعی بی‌میلی نشان داده‌اند؟

ایران همه نوع تلاشی کرده و سعودی هم پاسخ منفی داده است. این نشان اعتماد به نفس و قدرت ایران و متقابلاً ترس وضعف سعودی است. همین دوروز قبل با یک حقوقدان اهل سعودی در آمریکا گفت‌وگویی داشتم. گفتم چرا ریاض از گفت‌وگوی مستقیم با ایران وحشت دارد و مرتب جواب منفی می‌دهد. او به من پاسخ داد که ریاض احساس می‌کند منطقه را به ایران باخته است و رفتن پای میز مذاکره در این شرایط به معنی به رسمیت شناختن شرایط فعلی و قدرت و نفوذ ایران در منطقه و نهایتاً هم دادن امتیاز به ایران است. حقوقدان سعودی به من گفت: پادتان هست شما ایرانی‌ها تا زمانی که صدام در خاک ایران بود، حاضر به مذاکره نمی‌شدید و همه تقاضاهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای صلح را رد می‌کردید؟ شما زمانی حاضر به مذاکره شدید که عراق را از خاک ایران بیرون کردید. حال و روز امروز سعودی هم همین‌گونه است.

روی کارآمدن نخبگان نسل جدید سعودی و حمله عربستان به یمن به زعم کارشناسان پرده برداری از یک سیاست خارجی نه‌اجمی بوده است، تا چه حد می‌توان گفت عربستان به سمت

استقلال تصمیم‌گیری از آمریکا در محیط پیرامونی خاورمیانه حرکت می‌کند؟ به‌خصوص با توجه به این نکته که آمریکا بنا دارد تمرکز اصلی خود را بر چین و شرق آسیا بگذارد؟

نسل جدیدی که حاکمیت در ریاض را در اختیار گرفته پختگی سیاسی ندارد و رفتار بچگانه ولجوجانه دارد که مبتنی بر عقل و تدبیر نیست. اینها خیال می‌کنند که سیاست تهاجمی دارند. اگر مقداری تأمل کنند به‌نظرم حاکمان جوان فعلی سعودی دارند تیشه به ریشه حاکمیت آل‌سعود می‌زنند. برداشت من این است که آمریکا موافق تجاوز سعودی به یمن نبود، اما حیات سیاسی خاندان آل‌سعود برای آمریکا مثل گذشته حیاتی نیست چون نیازی به نفتشان ندارد.

در پایان و با توجه به حجم مخالفت‌ها با توافق هسته‌ای آیا ممکن است سرنوشت توافق با توجه به تحرکات سعودی و اسرائیل به سرنوشت کشتی «کارن ای» دچار شود؟

تردید نکنید که جناح بازهای آمریکا، لابی صهیونیست و اعراب متخاصم لحظه‌ای از تلاش برای نابود کردن توافق هسته‌ای غافل نخواهند شد. از ارائه طرح‌های مختلف در کنگره، افزایش فشار تبلیغاتی، توطئه برای کشاندن پای ایران به درگیری در منطقه گرفته تا حادثه‌آفرینی‌های مشابه «کارن ای». دولت اوباما و سایر پنج قدرت مذاکره‌کننده باید تدابیر و پیش‌بینی‌های لازم را داشته باشند و از هم اکنون پیشگیری یا به اصطلاح علما دفع دخل مقدر کنند.

*کامران کرمی - سعیده‌سادات فهری